

اشغالی نیز که سران امان ترجیح دادند آن را رسانه‌ای کنند نیز به‌رغم تلاش تهران برای سرپوش گذاشتن بر آن، نشان داد که کاهش تنش با اردن، مسیر راحتی نخواهد بود و صرف کاهش تنش با عربستان، راه ایران را هموار نخواهد کرد.

تحولات پس از ۱۷ اکتبر موجب شد تا بُعد سیاسی و دیپلماتیک توافق اسفندماه ۱۴۰۱، با همسویی‌ها و تماس‌های میان ایران و عربستان بیش از گذشته مشخص شود تا جایی که اولین تماس تلفنی میان ابراهیم رئیسی و محمد بن‌سلمان، ۴ روز پس از آغاز جنگ در غزه شکل گرفت و رئیس‌جمهور ایران را برای شرکت در نشست سازمان همکاری اسلامی در موضوع فلسطین، راهی مکه کرد و همچنین این دستاورد را نیز داشت که عربستان نه‌تنها در ائتلاف آمریکا و انگلیس برای مقابله با انصارالله یمن شرکت نداشته باشد بلکه همچون اردن، با ایالات متحده و اسرائیل در مقابله با پرتابه‌های ایران به سمت فلسطین اشغالی نیز مشارکت نداشته باشد. این در حالی است که نگاه به بیش از یک‌سال گذشته حاکی از این واقعیت است که هر چند این توافق تا حد قابل توجهی در خروج ایران از انزوای منطقه‌ای مؤثر بود و توانست تبعات سیاسی تحولات پساکتبر ۲۰۲۳ را برای تهران قابل مدیریت و بهره‌برداری کند اما نشان داد نه‌تنها تحلیل‌هایی که حاکی از آغاز ورود سرمایه سعودی به ایران پس از ازسرگیری روابط بود، ردی از واقع‌بینی در خود نداشتند و حجم تبادلات میان دو کشور رقم ناچیزی را به خود اختصاص داده است بلکه موضوع امنیت و اعتمادسازی نیز که اساس تمایل عربستان برای ازسرگیری روابط با ایران بود و موجب شد تا در نهایت ابراز تمایل‌های علنی تهران برای توافق با ریاض که بسیاری نسبت به نشان دادن ضعف ایران در آن‌ها، هشدار می‌دادند، به نتیجه برسد نیز برای پادشاهی سعودی مرتفع نشده است. شروط عربستان برای ایالات متحده به‌عنوان پیش‌زمینه آغاز مجدد مذاکرات عادی‌سازی روابط با اسرائیل مبنی بر امضای توافق امنیتی و نظامی با واشنگتن و همچنین اصرار ریاض مبنی بر اتمی شدن مؤید همین واقعیت است. در همین چارچوب نیز اتنونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، هفتمین سفر خود را به خاورمیانه پس از ۷ اکتبر در اردیبهشت‌ماه از عربستان سعودی آغاز کرد و یک مقام وزارت خارجه آمریکا به فرانس ۲۴ گفت که انتظار می‌رود در عربستان سعودی، بلینکن مذاکرات جدیدی درباره عادی‌سازی بالقوه روابط با اسرائیل داشته باشد.



نگاه کارشناس

علم صالح استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه ملی استرالیادر گفت‌وگو با هم‌میهن:

عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل اجتناب‌ناپذیر است

علم صالح، استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه ملی استرالیا در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: «عادی‌سازی روابط ایران و عربستان به معنای حل و فصل تمامی دغدغه‌های دو طرف نیست». این تحلیلگر مسائل خاورمیانه افزود: «مطمئناً آنچه عربستان در حال اجرای آن در سیاست خارجی خود است این است که به جای آنکه برای کل خاورمیانه یک پرونده داشته باشد، موضوعات را در چند پرونده جدا جدا، جای داده است. در این میان، ایران یکی از پرونده‌های سیاست خارجی سعودی‌ها در کنار پرونده اسرائیل، فلسطین، یمن و عراق و سایرین است». صالح همچنین تأکید کرد که «معتقدم هرچند واقعه ۷ اکتبر و تحولات پس از آن توانست توافق ابراهیم را به حالت تعلیق دربیآورد و تضعیف کند اما این امری استراتژیک و اجتناب‌ناپذیر است که در نهایت امر باید اتفاق بیفتد.»

بیش از یک‌سال از توافق ازسرگیری روابط میان ایران و عربستان می‌گذرد؛ این در حالی است که امروز در نقطه‌ای قرار داریم که دیپلمات‌های ریاض همچنان در هتل اسپیناس تهران حضور دارند و بن‌سلمان در صدد امضای توافقی امنیتی با آمریکا به‌عنوان مقدمه عادی‌سازی روابط با اسرائیل است؛ ارزیابی شما از آنچه از ۱۰ مارس ۲۰۲۳ بر روابط تهران و ریاض گذشته، چیست؟

می‌خواهم اینگونه آغاز کنم که عادی‌سازی روابط بین کشورها، ضرورتاً به معنای رفع تمام مشکلات فی‌مابین نیست؛ مطمئناً ریاض و تهران برای اعتمادسازی متقابل به سال‌ها زمان نیاز دارند. با این حال، این ازسرگیری روابط در حد یک سال گذشته با در نظر گرفتن شرایط پیچیده منطقه تا حدود زیادی موفق عمل کرده است. دو طرف براساس مصالح و منافع خودشان، هرچند نسبی به‌صورت قابل قبول عمل کرده‌اند. عربستان توانست حملات گروه‌های متحد ایران از جمله حوثی‌های یمن به خاک خود را متوقف و صلح و آتش‌بس پایداری را با این گروه ایجاد کند. امروز در روابط دوجانبه تهران و ریاض تا حدودی روابط دیپلماتیک، سیاسی و حتی اقتصادی مناسبی به‌رغم تحریم‌ها نیز ایجاد شده است و سفر مهم آقای رئیسی به عربستان در این روند حائز اهمیت است. جنگ غزه نیز این دو کشور را تا حدودی به یکسری اشتراکات از جمله آتش‌بس، صلح و اعمال فشار بر اسرائیل رسانده است که در طی ۸ ماه گذشته به‌خوبی مدیریت شده است. از سوی دیگر شاهد هستیم که از زمان ازسرگیری روابط، منافع ایران هم تا حدود زیادی تأمین شده است؛ نخست اینکه ریاض به‌صورت رسمی اعلام کرده است که از خاک این کشور تعرضی به جمهوری اسلامی ایران صورت نخواهد گرفت. همچنین ریاض در ائتلاف حمله به حوثی‌ها شرکت نکرده است و این اقدام معناداری است که پس از ۷ سال بمباران یمن حالا در کنار آمریکا و انگلیس قرار نگرفته است. عربستان پس از توافق با ایران، به‌رغم مخالفت آمریکا، روابط خود را با بشار اسد و دمشق نیز ازسرگرفت و موجب بازگشت سوریه به آغوش جهان عرب شد. ریاض همچنین در چارچوب توافق ازسرگیری روابط با ایران، دست از حمایت از رسانه‌های ضدایرانی برداشت و همچنین حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب نیز برداشته شد. نکته بعدی این است که هر دو کشور توانستند این ۸ ماه پرتنش منطقه را به خوبی پشت سرگذارند و هیچ کدام از تحولات لبنان، عراق، یمن و سوریه و فلسطین، آسیبی به رابطه تازه و شکننده ایران و عربستان وارد نکند که البته مطمئناً چین نیز در این موضوع نقش ایفا کرده است. بنابراین معتقدم دو کشور تا اینجای کار و پس از توافق ازسرگیری روابط، موفق عمل کرده‌اند.

از زمان عادی‌سازی روابط شوریهایی همچون امارات و بحرین با اسرائیل، این نگرانی وجود داشت که عربستان نیز به این روند پیوسته و علاوه بر خود، راه را برای عادی‌سازی سایر کشورهای مسلمان نیز باز کند. از همان مقطع نیز سوال مهم این بود که واکنش ایران به این عادی‌سازی چه خواهد بود. امروز که تهران ازسرگیری روابط با عربستان را دستاورد مهم سیاست خارجی خود می‌داند، چگونه با اقدام احتمالی ریاض مواجه خواهد شد؟

معتقدم هرچند واقعه ۷ اکتبر و تحولات پس از آن توانست توافق ابراهیم را به حالت تعلیق دربیآورد و تضعیف کند اما این امری استراتژیک و اجتناب‌ناپذیر است که در نهایت امر باید اتفاق بیفتد. مسئله این است که امروز عربستان در موقعیتی قرار دارد که در مقابله با آمریکا در وضعیت بهتری قرار دارد و پس از ۷ اکتبر و جنگ غزه، می‌تواند در ازای عادی‌سازی روابط با اسرائیل، امتیازات بیشتری از آمریکا بگیرد. واشنگتن تا پیش از ۷ اکتبر،

نگاه بالا به پایین به عربستان داشت و به‌صورت دستوری از این کشور می‌خواست تا به توافق ابراهیم بپیوندد، حال اما نشانه‌هایی وجود دارد که عربستان در حال امتیازگیری از کاخ سفید است. یکی از مواردی که ریاض در خصوص عادی‌سازی مطرح کرده مسئله دودولتی در خصوص مناقشه اسرائیل و فلسطین است که در صورت آغاز مذاکرات و تحقق می‌تواند برای عربستان به‌عنوان کشوری که مدعی رهبری جهان عرب و جهان اسلام است بسیار حائز اهمیت باشد و از لحاظ سیاسی امتیاز بزرگی خواهد بود. نکته بعدی این است که عربستان تلاش می‌کند تا یک معاهده امنیتی با آمریکا امضا کند که واشنگتن سال‌ها از آن پرهیز می‌کرد و تنها متحد قابل اطمینان آمریکا در منطقه اسرائیل است و هیچ‌گاه عربستان را در این جایگاه نپذیرفت و نشانه آن را نیز در موضوع عدم حمایت این کشور از ریاض در جنگ علیه یمن دیدیم. نکته بعدی این است که ممکن است در این روند چراع سبز اتمی شدن را نیز از ایالات متحده بگیرد تا در نهایت یک موقعیت مناسبی را به عربستان بدهد تا به‌صورت مستقل فعالیت‌های اتمی صلح‌آمیز داشته باشد؛ موضوعی که برای عربستان پرستیژ سیاسی در منطقه به همراه خواهد داشت.

نگاه ایران به این امتیازاتی که عربستان از آمریکا مطالبه کرده، چیست؟ یک توافق امنیتی و همچنین هسته‌ای شدن ریاض تا چه میزان توازن قدرت در خاورمیانه را تغییر خواهد داد؟

در ابتدای صحبت‌م اشاره کردم که عادی‌سازی به معنای حل و فصل تمامی دغدغه‌های دو طرف نیست و قرار نیست توافق به سود یکی از طرفین نیز باشد؛ مطمئناً آنچه عربستان در حال اجرای آن در سیاست خارجی خود است، این است که به‌جای آنکه برای کل خاورمیانه یک پرونده داشته باشد، موضوعات را در چند پرونده جدا جدا، جای داده است. در این میان، ایران یکی از پرونده‌های سیاست خارجی سعودی‌ها در کنار پرونده اسرائیل، فلسطین، یمن و عراق و سایرین است. درحالی که پیش از این، همه موضوعات در یک پرونده به نام ایران جمع شده بودند و براساس آن حرکت می‌کرد. این امر موجب می‌شود تا ریاض بتواند بهتر و راحت‌تر با هر پرونده، متناسب با اقتضائات آن برخورد کند و بدون شک تاکنون در این مسیر، سیاست خارجی موفقی را به نمایش گذاشته است. مطمئناً آمریکا پیش از ایران نسبت به اعطای این امتیازات به عربستان، حساسیت دارد و با اتمی شدن این کشور مخالفت خواهد کرد و ریاض اگر بخواهد وارد یک سیاست اتمی مستقل شود، سال‌های سال با ایالات متحده درگیر خواهد بود و این موضوعی است که ایران می‌تواند از آن سود ببرد و حتی اتمی شدن عربستان، ضرورتاً برای ایران مشکلی ایجاد نخواهد کرد و شاید بتوانیم اینگونه بگوییم که اتمی شدن عربستان می‌تواند برای ایران مفید باشد چرا که تا حد زیادی وابستگی ریاض به واشنگتن را کاهش می‌دهد و می‌تواند آمریکا و عربستان را رودرروی هم قرار دهد. به‌طور ذاتی، عربستان دغدغه ایران نیست و حضور ریاض در کنار واشنگتن به دغدغه ایران تبدیل می‌شود و هرچه بتواند این وضعیت را تغییر دهد، هرچند به اتمی شدن عربستان بیانجامد، برای ایران مثبت است. به همین علت، عربستان با اینکه بتواند به یک قدرت نظامی و یا حتی اتمی پایدار - به معنای بومی و مستقل - تبدیل شود، فاصله زیادی دارد و پیش از اینکه ایران، دغدغه اتمی شدن عربستان را داشته باشد، این دغدغه آمریکا و اسرائیل خواهد بود. تنها دغدغه ایران در منطقه اسرائیل و همراهی آمریکا است که البته تهران موفق به ایجاد بازدارندگی در این زمینه شده است و حتی توانست یک حمله نمادین و تأثیرگذار را علیه اسرائیل صورت دهد و نشان دهد امکان دفاع از خود را حتی در مقابل یک قدرت اتمی دارد. بنابراین عربستان و رفتار مستقل آن در پرونده‌های جداگانه برای ایران دغدغه نخواهد بود.

تأثیر تحولات خاورمیانه پس از ۷ اکتبر بر روابط ایران و عربستان چه بود و آیا آنچه در غزه در حال وقوع است، ریاض را به درک دیگری از سیاست خارجی خود رسانده است؟

ایران و عربستان پس از ۷ اکتبر نه‌تنها موفق به حفظ رابطه خود شدند بلکه توانستند تا حدود زیادی به اشتراکاتی در این زمینه دست پیدا کنند و گفت‌وگوهای تلفنی و بازدیدهای دیپلماتیک میان دو کشور بالا رفته است. ایران توانست در این چارچوب با مصر در ارتباط باشد و این دقیقاً همان چیزی است که تهران سال‌ها به دنبال آن بود. همچنین بالاتر گفتم که ۷ اکتبر با تعلیق توافق ابراهیم، دست ریاض را در مذاکرات بالاتر برده تا بتواند شروطی را برای ایالات متحده تعیین کند که تا پیش از این چنین مسئله‌ای در روابط ریاض و واشنگتن سابقه نداشت.



دیپلمات‌ها



استمرار مسیر سیاست خارجی

سرپرست وزارت امور خارجه گفت: «سیاست خارجی ترسیمی از سوی رهبر انقلاب اسلامی در قالب سیاست‌های عملیاتی دولت و راهبردهای وزارت امور خارجه با قوت و قدرت ادامه پیدا خواهد کرد». علی باقری در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به ادامه سیاست‌های ترسیمی در حوزه سیاست خارجی تا پایان عمر دولت سیزدهم تأکید کرد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یک عقلانیت راهبردی است و قطعاً در چارچوبی که توسط رهبر انقلاب اسلامی ترسیم شده، در قالب سیاست‌های عملیاتی دولت و راهبردهای وزارت امور خارجه با قوت و قدرت ادامه پیدا خواهد کرد.» وی همچنین با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی شهید حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه شهید که همراه با رئیس‌جمهوری در سانحه سقوط بالگرد به شهادت رسید، اظهار کرد: «شهید امیرعبداللهیان از نظر شخصیتی فردی اخلاقی مدار و مردم‌دار و از نظر تخصصی یک کارشناس و متخصص سیاست خارجی بود که به‌خوبی بر مبانی و چارچوب‌های سیاست خارجی اشراف داشت.» سرپرست وزارت امور خارجه تصریح کرد: «شهید امیرعبداللهیان از نظر دیپلماسی نیز مرد میدان دیپلماسی بود که تجربه دوونیم‌ساله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اثباتی بر این مدعاست.»



تقویت روابط استراتژیک با ایران

وزیر خارجه چین در جریان دیدار با معاون وزارت خارجه ایران در امور دیپلماسی اقتصادی گفت، پکن به تقویت رابطه استراتژیک خود با ایران صرف‌نظر از اینکه اوضاع چگونه تغییر کند، ادامه خواهد داد. به گزارش ایسنا، وانگ یی، وزیر خارجه چین روز سه‌شنبه در نشست وزرای خارجه سازمان همکاری شانگهای شرکت کرد و در حاشیه آن با مهدی صفی، معاون وزارت خارجه در امور دیپلماسی اقتصادی دیدار کرد. به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، وانگ‌یی گفت: «صرف‌نظر از اینکه اوضاع چگونه تغییر خواهد کرد، پکن به تقویت شراکت راهبردی چین و ایران ادامه خواهد داد، از منافع مشترک دو طرف محافظت خواهد کرد و به تلاش برای صلح در منطقه و جهان ادامه خواهد داد.»



خشم اسرائیل از ادای احترام شورای امنیت به رئیسی

گیلغاد اردان، سفیر رژیم اسرائیل در سازمان ملل از یک دقیقه سکوت شورای امنیت به احترام شهادت آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور و حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران و همراهان‌شان بسیار برآشفته و خشمگین شد. گیلغاد اردان سفیر نماینده اسرائیل در سازمان ملل روز دوشنبه به وقت محلی با عباراتی توهین‌آمیز افزود: «شورای امنیت سازمان ملل متحد امروز به یاد رئیس‌جمهور ایران، یک دقیقه سکوت کرد!» سفیر رژیم اسرائیل مدعی شد که اقدام بعدی شورای امنیت چیست؟ یک دقیقه سکوت برای سالگرد، سفیر اسرائیل که رفتارهای هیستریک در قبال ارکان سازمان ملل به‌ویژه از زمان آغاز جنگ اسرائیل علیه غزه داشته است، مدعی شد: «شورای امنیت به‌سادگی به خطری برای صلح جهانی تبدیل شده است.» او همچنین در اقدامی توهین‌آمیز، پلاکاردی علیه شهید آیت‌الله رئیسی در صحن علنی مجمع عمومی برای ثانیه‌هایی در دست گرفت.